

آموزش غیر رسمی زنان

چکیده:

این مقاله با تبیین ضرورت آموزش غیر رسمی زنان با توجه به نقش مؤثر آنان در پیشبرد اهداف فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور، بر ابعاد چندگانه آموزش غیررسمی زنان و لزوم نگرش ویژه به برنامه‌های آموزشی این قشر تأکید می‌کند.

نویسنده در پی آن است که توجه مسئولان، برنامه‌ریزان و مجریان سازمانهای مختلف را که هر کدام به نحوی با آموزش زنان ارتباط دارند، به لزوم نگرش ویژه به طراحی، سازماندهی و اجرای برنامه‌های آموزش زنان جلب نماید.

فیروزه اصغری

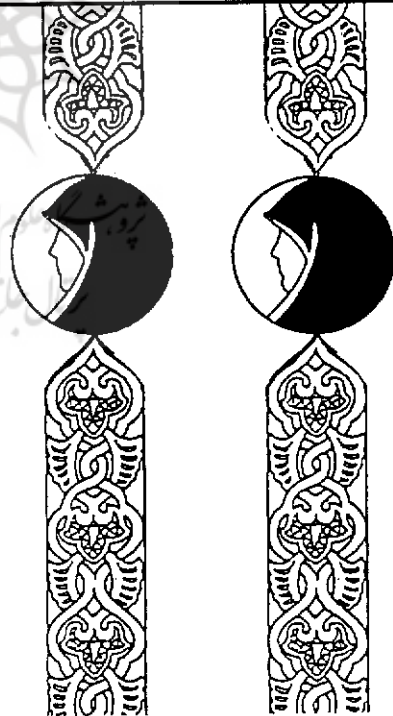
برگرفته از فصلنامه:

آموزش بزرگسالان و نوآوری

مؤسسه بین‌المللی روش‌های آموزش بزرگسالان

مقدمه: ضرورت آموزش زنان

تمام متفکران و اندیشمندان در جهان امروز اتفاق نظر دارند که آموزش از حقوق اساسی هر انسان به شمار می‌رود. در فرهنگ ملی - اسلامی ما نیز آموزش و یادگیری نه تنها حق انسان به شمار آمده، بلکه به عنوان یک "فریضه" بر هر مرد و زن واجب شده است. در فرهنگ دینی ما آموزش و یادگیری منحصر به جنسی خاص نیست و در برگیرنده همه انسانها اعم از زن و مرد، با هر موقعیت اجتماعی و



مرتبه شغلی و وضعیت اقتصادی است. به لحاظ ضرورت‌های اجتماعی نیز آموزش زنان از توجهات کافی و وافی برخوردار است.

زنان نیمی از سرمایه انسانی هر کشور را تشکیل می‌دهند و حتی به قولی آنها "مربی جامعه" هستند. زنان برای ایفای نقش اجتماعی و برای نیل به فلاح فردی و مشارکت در پیشبرد اهداف جامعه اسلامی، نیازی مبرم به آموزش در جنبه‌های مختلف دینی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، بهداشت و ایمنی، تغذیه و سلامت و مسائل تربیتی و خانوادگی دارند. زنان به عنوان یکی از ارکان توسعه کشور در چارچوب فعالیتهای اجتماعی خود برای همگامی با دنیای پویا و متحول امروزی و برای مشارکت مؤثر در سرنوشت خود و خانواده و همیاری در تصمیم‌سازی در جامعه مدنی ایران اسلامی، نیازمند آموزش هستند.

زنان در جامعه امروز ما، برای نقش آفرینی بهتر در جایگاههای مختلف، همچون خانواده (همسری و مادری)، روابط اجتماعی با دیگر افراد جامعه و انجام وظایف شغلی خود باید مجهز به سلاح دانش و مهارت‌های لازم باشند. بدیهی است منظور از آموزش زنان، فقط انتقال و انباشت اطلاعات و معلومات نیست، بلکه ایجاد توانایی تفکر خلاق و سازنده برای حل مسائل فردی و اجتماعی مورد نظر است.

توجه به آموزش زنان به تحقق آرمانهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه یاری می‌رساند و از این جهت، بخشی از فرایند کلی رشد و توسعه کشور محسوب می‌شود. مسلماً جامعه ما برای رسیدن به فردایی بهتر، به زنان آگاه و ماهر نیاز دارد. واقعیت این است که هر گونه تحول و تغییر سازنده‌ای بدون توجه

کافی به آموزش زنان، غیرممکن است.

به طور خلاصه مهم‌ترین دلایل ضرورت توجه به آموزش زنان را می‌توان چنین بر شمرد:

۱- دعوت خداوند از همه مردم اعم از زن و مرد برای یادگیری و آموزش به عنوان یک فریضه.

۲- برخورداری زنان از یادگیری و آموزش به عنوان یکی از حقوق اساسی انسانها.

۳- نقش اساسی زنان به عنوان مریبان جامعه در تربیت صحیح نسل‌های آینده.

۴- نقش محوری زنان در مدیریت امور خانواده.

۵- نقش مؤثر زنان در پیشبرد اهداف توسعه فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی کشور، به عنوان نیمی از سرمایه نیروی انسانی جامعه.

۱- نگاهی اجمالی به وضعیت کنونی آموزش زنان در ایران

بر اساس سرشماری عمومی سال ۱۳۷۵، ۴۹ درصد از جمعیت کشور (۲۹/۵۴۰/۳۲۹ نفر) را زنان تشکیل می‌دهند. در دهه اخیر توجه به توسعه آموزش زنان و رفع نابرابریهای جنسیتی، افزایش چشمگیری یافته و کلیه شاخصهای موجود نشانگر جهش قابل ملاحظه‌ای طی این زمان است. در حالی که میزان باسوادی دختران و زنان ۶ سال به بالا در سال ۱۳۶۵ رقمی حدود ۵۲ درصد بوده است، اکنون حدود ۷۵ درصد از زنان با سواد هستند. عده دانش‌آموزان دختر در مقاطع ابتدایی، راهنمایی و متوسطه که در سال ۱۳۶۵ به ترتیب ۳/۲ میلیون نفر، ۴۶۳ هزار نفر و ۴۰۰ هزار نفر بوده است، در سال ۱۳۷۵ به ترتیب به رقم ۴/۳ میلیون نفر، ۲/۳ میلیون نفر و ۱/۷ میلیون نفر رسیده است. عده دانشجویان دختر در سال

زیادی از زنان مشغول خدمت به کشور هستند. کارگران زن در کارخانه‌ها و مراکز تولیدی و صنعتی بخش عمده‌ای از نیروی کار مولد جامعه را تشکیل می‌دهند و در حال حاضر آموزش مداوم زنان شاغل در مراکز تولیدی و صنعتی، تقریباً یا وجود ندارد و یا در سطح بسیار نازلی انجام می‌گیرد.

همچنین به جز شغلهایی که ذکر شد، شمار زیادی از زنان ایرانی در روستاها به اموری مانند قالی بافی، کشاورزی، دامپروری، باغداری و دیگر کارهای جنبی روستایی مشغولند.

این دسته از زنان که علاوه بر اداره امور داخلی منزل مانند پخت و پز و شست و شو، دوشادوش همسر، پدر و برادران خود، نقش عمده‌ای در تولیدات صنایع دستی (قالی، گلیم، جاجیم و ...) و دیگر تولیدات کشاورزی و دامی دارند، در حال حاضر اکثر آنها دچار نقیصه بی‌سوادی و کم سوادی هستند. بدیهی است اجرای برنامه‌های سوادآموزی و ارائه آموزشهای غیررسمی برای ارتقای سطح آگاهیها، دانش و مهارت آنان در امور کشاورزی، دامداری و صنایع دستی و ... جزو وظایف اساسی جامعه به شمار می‌رود. حدود ۴۰ درصد از فعالیتهای کشاورزی کشور به دست زنان انجام می‌گیرد، در حالی که متأسفانه برای آموزش این دسته از زنان فعالیت کمی شده است.

در کنار زنان شاغل در حوزه آموزشی (آموزش عالی، آموزش و پرورش، نهضت سوادآموزی)، امور بهداشتی، حوزه اداری و خدماتی، مراکز تولیدی و صنعتی و مشاغل روستایی، عده زیادی از زنان به علل مختلف از جمله عدم نیاز اقتصادی خانواده، فقدان

۱۳۶۵ کمتر از ۵۰ هزار نفر بوده، در حالی که اکنون با ۸ برابر افزایش به حدود ۴۰۰ هزار نفر رسیده است. بدین ترتیب اکنون زنان بیش از ۴۰ درصد از دانشجویان دانشگاهها و مراکز آموزش عالی را تشکیل می‌دهند.

آمار و ارقام فوق گرچه امیدوارکننده است، اما با توجه به ضرورتهای آموزش زنان که در مقدمه مقاله ذکر شد، کافی به نظر نمی‌رسد. گرچه میزان باسوادی زنان در سال ۱۳۷۵ بیش از دو برابر قبل از پیروزی انقلاب است، اما متأسفانه هنوز از هر چهار زن، یک نفر بی‌سواد است. بدین ترتیب حدود ۷ میلیون نفر از دختران و زنان ایرانی در حال حاضر از مهارتهای اولیه خواندن و نوشتن بی‌بهره‌اند و این رقم یعنی ۷ میلیون نفر همسر، مادر و شهروند بی‌سواد.

علاوه بر مسئله سوادآموزی زنان، برنامه‌های آموزش مداوم زنان با سواد شاغل و زنان خانه‌دار هم باید مورد توجه قرار گیرد. اکنون حدود ۸۰۰۰ زن به عنوان عضو هیأت علمی آموزشی (استاد) و پژوهشی (محقق) مشغول به کار هستند. در بیمارستانها، مراکز بهداشتی و خانه‌های بهداشت روستایی حدود ۴۰ درصد از نیروی فعال را زنان تشکیل می‌دهند. ۴۰ درصد از وظایف آموزشی مدارس شهری و روستایی و کلاسهای سوادآموزی را مدیران و معلمان و آموزشیاران زن بر عهده دارند. برای آموزش مداوم این گروه از زنان برنامه‌های مفیدی در قالب آموزشهای ضمن خدمت توسط وزارت آموزش و پرورش و سازمان نهضت سوادآموزی اجرا می‌شود که البته لازم است توسعه بیشتری پیدا کند. در وزارتخانه‌ها، نهادها و ادارات دولتی شمار

بوده، اکنون مشغول تحصیل (آموزشهای رسمی) هستند باید تحت برنامه‌های آموزش غیررسمی و مداوم قرار گیرند تا برای ایفای نقشهای اجتماعی خود، آگاهی و مهارت بیشتری پیدا کنند.

۲- آموزش غیررسمی زنان و ابعاد چندگانه آن

کاملاً روشن است که همه بزرگسالان از جمله زنان دارای یک سلسله دانش و تجربیات آموزشی و مهارتهای شغلی و حرفه‌ای هستند. اما این دلیل نمی‌شود که آنها را بی‌نیاز از هرگونه برنامه‌های دانش‌افزایی و مهارتهای نو بدانیم. چراکه با سرعت چشمگیری که در تحولات علمی و مناسبات اجتماعی مشاهده می‌شود، بدیهی است دانش و اندوخته‌های این گروه و همچنین مهارتهای علمی آنها هر روز کهنه‌تر شده، "روزآمدی" و "کارآمدی" خود را از دست می‌دهد. این نکات ما را بر آن می‌دارد که در مورد سازماندهی و توسعه

فرصتهای شغلی مناسب، نگرش منفی همسران نسبت به کار زن، همه اوقات خود را به تدبیر امور منزل و خانه‌داری اختصاص داده‌اند. از طریق آنهاست که ارزشهای فرهنگی و اعتقادی به تسلهای بعد انتقال می‌یابد. لذا باید زنان خانه‌دار را با برنامه‌های مفید در به دست آوردن مهارتهایی برای داشتن نقشی بهتر و سودمندتر یاری دهیم و آنها را از زندگی یکنواخت و روز-مرگی برهانیم.

به طور کلی می‌توان گفت که در حال حاضر زنان جامعه ما در شش دسته زیر قرار می‌گیرند و هر کدام نیازهای آموزشی خاص خود را دارا هستند:

۱- زنان بی‌سواد خانه‌دار شهری: برنامه‌های آموزش غیررسمی به محوریت سوادآموزی تابعی مرکب از مهارتهای خواندن و نوشتن و ارتقای آگاهیها و مهارتهای مورد نیاز.

۲- زنان بی‌سواد روستایی: برنامه‌های آموزش غیررسمی به محوریت سوادآموزی تابعی مرکب از مهارتهای خواندن و نوشتن و ارتقای آگاهیها و مهارتهای مورد نیاز.

۳- زنان با سواد روستایی: برنامه‌های آموزش غیررسمی برای ارتقای آگاهیها و مهارتهای مورد نیاز.

۴- زنان با سواد شاغل شهری: برنامه‌های آموزش غیررسمی برای ارتقای آگاهیها و مهارتهای مورد نیاز.

۵- زنان با سواد خانه‌دار شهری: برنامه‌های آموزش غیررسمی برای ارتقای آگاهیها و مهارتهای مورد نیاز.

۶- زنان در حال تحصیل در دوره‌های سوادآموزی، مدارس و دانشگاهها.

کلیه زنان حتی زنانی که جزو دسته ششم

یک نظام مردمی، به مردم آگاه، امیدوار و توانمند نیاز دارد. کشور ما که با تکیه بر نیروهای خودی به سوی کسب و حفظ استقلال در همه شئون اقتصادی، سیاسی و فرهنگی گام برمی‌دارد، بدون مشارکت زنان توانمند به اهداف خود دست نخواهد یافت.

۱- آموزش غیررسمی در ارتباط با تجربیات و نیازهای بزرگسالان است.

۲- برنامه آموزش غیررسمی به سادگی با شرایط محلی و محیط زندگی بزرگسالان قابل انطباق است.

۳- شرکت در برنامه‌های آموزش غیررسمی برای بزرگسالان، داوطلبانه و اختیاری است.

۴- شیوه‌های ارائه آموزشهای غیررسمی با تواناییهای یادگیری بزرگسالان متناسب است.

۵- آموزشهای غیررسمی حالت خودگردان دارند و فشار مالی زیادی به بودجه دولت وارد نمی‌سازند.

با توجه به نیازهای متنوع آموزش زنان، برنامه‌های آموزش غیررسمی زنان نیز باید دارای ابعاد مختلف باشد تا کلیه ابعاد زندگی آنها را در برگیرد. ابعاد گوناگون آموزش غیررسمی زنان می‌تواند شامل موضوعات زیر باشد:

الف) بُعد دینی

زن ایرانی به عنوان یک عضو از جامعه اسلامی و به عنوان مربی فرزندان آینده‌ساز کشور و شریک زندگی خانوادگی باید از آموزشهای لازم دینی بهره‌مند شود. به علاوه از آنجا که جامعه کنونی ایران بر محور دین‌باوری شکل گرفته است، توجه به بعد دینی آموزش زنان ضروری‌تر می‌نماید. در این بعد باید به نکات زیر توجه کرد:

۱- حیطه نگرش و بینش: افزایش درک زنان از اسلام حقیقی به منظور تقویت نگرشهای مثبت به جهان و ایجاد باور عمیق از مبانی نظری و عملی اسلام و حذف عقاید و برداشت‌های خرافی از دین.

آموزش مستمر زنان اندیشه کنیم و برنامه‌های منظم و مدونی در قالب آموزشهای غیررسمی در سه بعد دانش‌افزایی، تغییر و اصلاح نگرشها و مهارت‌آموزی برای آنها فراهم نماییم.

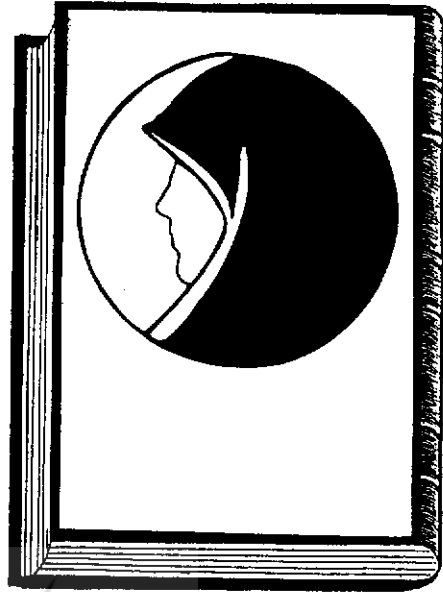
یک نظام مردمی، به مردم آگاه، امیدوار و توانمند نیاز دارد. کشور ما که با تکیه بر نیروهای خودی به سوی کسب و حفظ استقلال در همه شؤون اقتصادی، سیاسی و فرهنگی گام بر می‌دارد، بدون مشارکت زنان توانمند به اهداف خود دست نخواهد یافت.

از سوی دیگر، اکنون مشخص شده است که نظام آموزش رسمی جوابگوی مشکلات و نیازهای آموزشی قشرهای مختلف از جمله زنان نیست. عدم تنوع کافی، غیرکاربردی بودن و اتکای بیش از حد محتوای آموزشهای رسمی به ساختار رشته‌های علمی از یک سو و گنجایش و ظرفیت محدود مراکز آموزشی، پرهزینه بودن برنامه‌های آموزش رسمی و مسئولیت‌های اجتماعی زنان بزرگسال و نداشتن وقت کافی برای شرکت در آموزشهای منظم رسمی از سوی دیگر، باعث می‌شود ضرورت توسعه آموزشهای غیررسمی زنان برای ما آشکار شود.

زنان بی‌سواد یا باسواد، شهری یا روستایی، شاغل یا خانه‌دار و در حال تحصیل یا خارج از تحصیل رسمی، نیازهای متعدد و چندگانه آموزشی دارند. بدیهی است آموزشهای رسمی با توجه به محدودیتهای یاد شده، پاسخگوی این نیازها نیست و به این خاطر لازم است برنامه‌های آموزش غیررسمی زنان در جامعه ما رواج بیشتری یابد. در مقایسه آموزشهای رسمی و آموزشهای غیررسمی می‌توان مزایای زیر را برای آموزش غیررسمی برشمرد:

۲- حیطه دانش : دانش‌افزایی زنان در زمینه روابط زناشویی و حقوق زن و شوهر و فرزندان نسبت به هم، اصول تغذیه صحیح، بهداشت فردی و بهداشت محیط خانه، نکات ایمنی، تربیت فرزند، مشارکت در برنامه‌های کنترل رشد جمعیت و ...

۳- حیطه مهارت : مهارت‌آموزی زنان در انجام بهینه امور خانه مثل نگهداری از وسایل، نظافت، خیاطی، آشپزی، اقتصاد و امور مالی خانواده، تنظیم اوقات و برنامه‌ریزی برای انجام وظایف شغلی و تحصیلی خود و افراد خانواده.



۲- حیطه دانش : افزایش دانش و اطلاعات از اصول و فروع دین، آشنایی با احکام قرآنی و سیره پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) و ...

۳- حیطه مهارت : گسترش توانایی و مهارت عملی زنان در انجام امور مذهبی، تلاوت صحیح قرآن و ...

ج) بُعد سیاسی

از آنجا که زنان ایرانی آگاهترین زنان جهان به مسائل سیاسی هستند، برای حفظ و تقویت آگاهیهای سیاسی آنها و به منظور حفظ مشارکت آنها در امور سیاسی کشور، توجه به آموزش سیاسی آنها لازم می‌آید. نکات قابل توجه در این زمینه عبارتند از :

۱- حیطه نگرش : افزایش باور مثبت زنان نسبت به مشارکت در امور سیاسی کشور.

۲- حیطه دانش : دانش‌افزایی زنان نسبت به مسائل و رخدادهای سیاسی و داخلی و خارجی، تاریخ ایران و اسلام، آشنایی با تشکیلات موجود داخلی و خارجی، تاریخ ایران و اسلام، آشنایی با تشکیلات سیاسی موجود داخلی و خارجی، آشنایی با حقوق و وظایف سیاسی شهروندان.

۳- حیطه مهارت : مهارت‌آموزی زنان در چگونگی مشارکت فعال در گروهها، شوراها و احزاب سیاسی مورد علاقه.

ب) بُعد خانواده

زن محور خانواده و در حقیقت مدیرخانه به شمار می‌رود. صلاح و فساد افراد خانواده به خصوص فرزندان تا حد زیادی به مادر بستگی دارد. از طرف دیگر شیوه صحیح همسرمداری از طرف زنان باعث می‌شود، مردان با آرامش و به صورت مطلوبتر وظایف اجتماعی خود را به انجام برسانند. در این بُعد نیز نکات زیر دارای اهمیت است :

۱- حیطه نگرش : افزایش نگرش مثبت زنان نسبت به تحکیم کانون خانواده و باور داشت لزوم انجام بهینه وظایف همسری و مادری.

د) بُعد اجتماعی

نقش اجتماعی زنان به عنوان نیمی از نیروی انسانی فعال و مولد کشور، ما را به آن جهت سوق می‌دهد که توجه جدی و کافی به آموزش زنان در این بُعد قائل شویم؛ در این بُعد نیز نکات زیر را باید ملحوظ نظر قرار دهیم:

۱- حیطه نگرش: افزایش باور و ایجاد روحیه لازم برای مشارکت و همیاری در فعالیتهای اجتماعی، انضباط اجتماعی و وجدان کاری، توجه به رعایت مقررات اجتماعی و ...

۲- حیطه دانش: دانش افزایی زنان در زمینه مسائل جامعه شناختی، آشنایی با مقررات اجتماعی و حقوق و وظایف شهروندان در قبال یکدیگر.

۳- حیطه مهارت: گسترش توانایی زنان برای حل مسائل و مشکلات اجتماعی مشارکت فعال و عملی در برنامه‌های جامعه.

ه) بُعد فرهنگی

زنان به عنوان پرچمداران حفظ و اشاعه فرهنگ ملی و مبارزان صفوف نخست مبارزه با تهاجم فرهنگی بیگانگان، نقش بسزایی در پیشبرد اهداف فرهنگی کشور ایفا می‌کنند. آنها با پرورش دختران و پسران صالح و آشنا کردن آنها با روح اصیل فرهنگ ملی، پاسدار ارزشها و انتقال دهندگان مبانی فرهنگی این مرز و بوم به نسل آینده هستند. این گروه به آموزشهای فرهنگی زیر نیاز دارند:

۱- حیطه نگرش: ایجاد باور و نگرش مثبت در زنان نسبت به نقش سازنده خود در فرهنگ جامعه، پرهیز از خرافات و جلب توجه زنان به ارزشهای اصیل فرهنگ خودی، افزایش علاقه نسبت به استفاده از آموزشهای غیررسمی،

مطالعه کتاب و استفاده از رسانه‌ها.

۲- حیطه دانش: دانش افزایی زنان نسبت به اصول و مبانی فرهنگ ایرانی-اسلامی و میراث فرهنگی جامعه.

۳- حیطه مهارت: افزایش توان عملی زنان در انتقال ارزشهای فرهنگی جامعه به اعضای خانواده و مشارکت محلی در برنامه‌های فرهنگی جامعه و مبارزه با مظاهر منفی فرهنگ بیگانه.

و) بُعد اقتصادی و شغلی

زنان به عنوان نیمی از جمعیت فعال جامعه مسؤولیتهای شغلی گوناگون بر عهده دارند. زنان همراه و هم‌دوش مردان در دانشگاهها، مدارس، ادارات، بیمارستانها و مزارع به فعالیت مشغولند.

آموزشهای مستمر شغلی به گسترش توانایی زنان برای انجام وظایف شغلی و افزایش بهره‌وری نیروی کار جامعه منجر می‌شود. زنان در بُعد شغلی و اقتصادی به آموزشهای زیر نیاز دارند:

۱- حیطه نگرش: ایجاد وجدان کاری و انضباط اقتصادی در زنان، ایجاد نگرش مثبت در زنان نسبت به ارزشمند بودن کار و تلاش، افزایش علاقه‌مندی زنان نسبت به شغل و حرفه خود.

۲- حیطه دانش: دانش افزایی زنان نسبت به وظایف شغلی و ماهیت فرایندهای سازنده هر شغل.

۳- حیطه مهارت: افزایش مهارت و کارایی زنان در انجام صحیح و با کیفیت بیشتر وظایف شغلی، آموزشهای عمومی مانند آموزش زبانهای خارجی، طرز کار با رایانه، آشنایی با طرز کار وسایل و ابزارهای نو.

ویژگیهای ساخت و عملکرد اعضا و دستگاههای بدن آنان است. به عنوان مثال حس شنوایی زنان در همه دوران زندگی آنها بهتر از مردان است، در عوض مردان از بینایی بهتری برخوردارند. این تفاوت در حواس، اکتسابی نیست و از زمان طفولیت دیده می شود.

مردان عموماً از نظر بدنی نیرومندتر از زنان هستند و این به خاطر هورمونهای جنسی متفاوت در رشد ماهیچه های آنهاست، اما مردان نسبت به زنان آسیب پذیری بیشتری دارند و کمتر عمر می کنند و در معرض بیماریهای زیادی قرار دارند. اینها جزو ویژگیهای بنیادی مردان است که چندان به محیط اجتماعی بستگی ندارد.

در عوض بارداری و زایمان از دیگر مسائل مربوط به زنان است که باید حتماً در برنامه ریزی آموزش، به خصوص در زمان بندی برنامه ها مدنظر قرار گیرد.

از نظر حساسیت و رنجش جسمی و روحی، زنان در درجه پایینی از مردان قرار دارند. آنها با کمترین ضربه احساس رنجش می کنند و قدرت تحمل خود را از دست می دهند. در مقابل، آستانه رنجش جسمی و روحی مردها بسیار بالاست و قدرت تحمل بالاتری دارند.

از نظر توانش ذهنی، مردان محاسبات فنی را بهتر انجام می دهند و استعداد ریاضی آنها به مراتب بهتر از زنان است؛ اما در کارهای دستی، به ویژه کارهایی که نیاز به چالاکی انگشتان دارد مانند کار با رایانه و بافندگی، زنان برتری دارند. زنان هنگام صحبت کردن از زبانی استفاده می کنند که به زبان معیار جامعه نیز نزدیکتر است، کلام آنها روانتر از کلام مردان است. اما

۳- نکات مهم در برنامه ریزی و سازماندهی آموزش غیررسمی زنان

برای کسب نتایج مفید و مثمرتر از تلاشهای انجام شده در آموزش غیررسمی زنان، توجه به برخی نکات اساسی، کاملاً ضروری است. مهم ترین مسائل در این باره که در این مقاله مورد بحث قرار می گیرد عبارتند از:

- ۱- توجه به ویژگیهای اختصاصی زنان که آنها را از مردان متمایز می کند.
- ۲- ضرورت مشارکت زنان در طراحی و اجرای برنامه های آموزشی.

۳-۱: ویژگیهای اختصاصی زنان

با آنکه از دیدگاه ارزشی تفاوتی بین زن و مرد وجود ندارد، اما بنابر ملاحظات زیست شناختی، فرهنگی و اجتماعی تفاوتهای چشمگیری بین زنان و مردان مشاهده می شود. از این جهت به نظر می رسد در برنامه ریزی، سازماندهی و ارائه برنامه های آموزش غیررسمی زنان باید این تفاوتها مدنظر قرار گیرد.

زیست شناسان بر این باورند که زن و مرد تفاوتهای بنیادی دارند. بدین معنا که تفاوتهای آنها در درجه اول بیولوژیک است، نه اجتماعی. آنها معتقدند که هر سلول بدن زن با سلول بدن مرد تفاوت دارد. زنان و مردان قبل از آنکه به دنیا بیایند و تحت تأثیر نفوذهای اجتماعی قرار گیرند کاملاً تمایز پیدا می کنند و برای زن یا مرد شدن آماده می شوند. از این دیدگاه اگر اوضاع اجتماعی موجب تفاوت زن و مرد می شود، فقط تفاوتهای اولیه (بیولوژیک) را بیشتر می کند.

در واقع تفاوت زن و مرد ناشی از تفاوت



اجازه دارد وابسته باشد، اما این وابستگی برای مردان کسر شأن محسوب می‌شود.

زنان به راحتی اجازه دارند گریه کنند، در رفتار خود ظرافت و محبت نشان دهند، اما مردان باید مصمم و دلیر باشند و رنج و اندوه خود را به خلوت ببرند. در خانه و محافل آموزشی و در کل جامعه، شرایط، تقاضاها و ممنوعیتها با هم فرق دارند. مسئولیت اداره خانه در هر حال بر عهده زن است. حتی زنان شاغل و زنان روستایی که ساعات متمادی در خارج از منزل در حال تلاش و کار هستند، در نهایت باید اموری مانند بچه‌داری، بخت و پز، شست و شو و نظافت خانه را انجام دهند. در حالی که اکثر مردان به جز کار بیرون مسئولیتی احساس نمی‌کنند، چرا که بسیاری از این امور در جامعه "زنانه" محسوب می‌شوند و مردان نه از لحاظ روانی و نه از لحاظ مهارتی آمادگی انجام آنها را ندارند.

۲-۳: ضرورت مشارکت زنان در طراحی و

اجرای برنامه‌های آموزش غیررسمی

باید توجه داشته باشیم که فرایند آموزش مداوم، "کار با مردم" است و نه برای آنها؛

مردان در زمینه ادراک کلام برتری دارند. زنان از دوره ابتدایی تا سطح لیسانس در مجموع از مردان موفقتر هستند، اما اگر ازدواج کنند از لحاظ عاطفی، مسئولیت‌پذیری بیشتر، آنها را وادار می‌کند که خود را کاملاً وقف خانواده و همسر و فرزندان خود کنند.

از لحاظ علایق و رغبتها، نوع دوستی، توجه به دیگران و صمیمیت از ویژگیهای زنان است؛ همچنین علایق زیبا شناختی و اجتماعی زنان بیشتر از مردان است. در حالی که مردان به جنبه‌های سیاسی، ورزشی و فلسفی علاقه دارند، زنان بیشتر به مسائل اخلاقی و دینی تمایل نشان می‌دهند.

پذیرش دیگران خصوصیتی است که در زنان بیشتر دیده می‌شود. زنان از همجواری با هم بیشتر از مردان لذت می‌برند، به همین خاطر مشاهده می‌شود که زنان در محیطهای مختلف به سرعت با هم همکلام شده، خیلی زود با هم دوست می‌شوند.

علاوه بر خصوصیات زیستی، ذهنی و عاطفی که از آنها سخن گفتیم، به لحاظ اجتماعی بودن نوع انسان، بدیهی است که زنان هم از همان لحظه تولد تحت تأثیر عوامل اجتماعی و فرهنگی قرار می‌گیرند. مثلاً از اوایل کودکی به دختران و پسران می‌آموزیم که به ترتیب از رفتارهای مادر و پدر تقلید کنند. اگر دختر بچه‌ای از رفتار مادرش تقلید کند، تشویق می‌شود و بر اثر این تشویق به تکرار رفتار مورد نظر می‌پردازد تا این تکرارها تبدیل به عادت و جزو منش و شخصیت وی گردد. اما اگر رفتار پدر را تقلید کند نه تنها مورد تشویق قرار نمی‌گیرد، بلکه با شماتت بزرگترها روبرو خواهد شد. در زندگی خانوادگی، زن معمولاً

مشارکت فعالانه زنان در طراحی و اجرای برنامه‌های آموزش نتایج زیر را به بار می‌آورد:

- زنان به نقش سازنده خود در پیشبرد اهداف جامعه آگاه می‌شوند.
- زنان، با تجربه کردن موفقیت احساس توانمندی می‌کنند تا مسائل خود را شناسایی و حل نمایند.
- زنان، دارای اعتماد به نفس، خلاقیت و ابتکار شده، از این ویژگیها در رفع نیازهای فردی، گروهی و اجتماعی خود سود می‌برند.
- زنان توانایی تصمیم‌گیری بهنگام را کسب می‌کنند.
- زنان توان برنامه‌ریزی و مشارکت در اجرای برنامه‌های اجتماعی را به دست می‌آورند.
- زنان آمادگی لازم برای مشارکت در فعالیتهای آموزشی و فعالیتهای خودآموزی و یادگیری مستقل را کسب می‌کنند.
- زنان علاقه لازم به شرکت در شوراهای محلی و انجمنهای صنفی، برای حل مسائل اجتماعی، حقوقی و فرهنگی خود را به دست می‌آورند.

کمک به مردم است تا در کسب دانش و مهارت خودگردان شوند و نه وابسته به دیگران. به قول یک ضرب‌المثل چینی: "به جای دادن ماهی به مردم، ماهی گرفتن را به آنها بیاموزید."

محور قرار دادن زنان در طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی باعث می‌شود آنها از صورت تماشاگران بی تفاوت به انسانهایی تبدیل شوند که بتوانند دانش موجود را به نفع خود و جامعه به کار اندازند.

موفقیت برنامه‌های آموزش غیررسمی زنان بستگی تام به مشارکت خود آنان در تعیین محتوای برنامه‌ها، شکل ارائه و زمانبندی آنها دارد. زنان ضمن مشارکت، به برنامه تعلق خاطر احساس می‌کنند و بهتر از پیش یاد می‌گیرند.

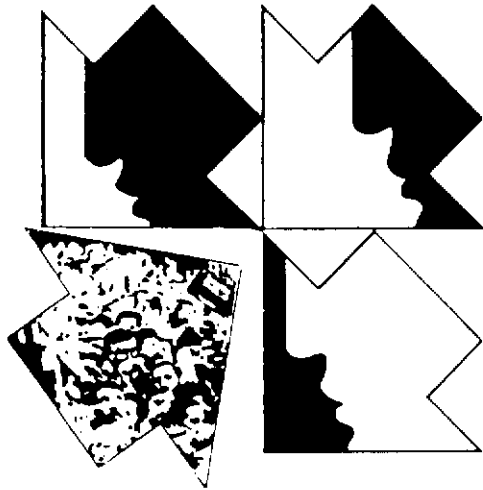
بدین ترتیب احساس موفقیت در همکاری گروهی و سازندگی جمعی در آنها به وجود می‌آید و از این طریق به مشارکت در زمینه‌های دیگر مانند سازندگی و توسعه جامعه گام بر می‌دارند.

فهرست منابع:

- ۱- ایللی، خدایار (۱۳۷۱)، "آموزش غیررسمی"، فصلنامه آموزش بزرگسالان و توسعه، سال اول - شماره ۱، تهران: مؤسسه بین‌المللی روشهای آموزش بزرگسالان.
- ۲- بهزاد، محمود (۱۳۵۵). تئوری تکامل و روان‌شناسی. تهران: انتشارات جاویدان.
- ۳- بیرو، الن (۱۳۶۶). فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: انتشارات کیهان.
- ۴- دفتر بین‌المللی آموزش سازمان یونسکو (۱۳۷۲). درسهای سوادآموزی، ترجمه زهرا صباغیان، تهران: انتشارات مدرسه.
- ۵- ستاری، جلال (۱۳۷۵). سیمای زن در فرهنگ ایران، تهران: نشر مرکز.
- ۶- قنادان، منصور و همکاران (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی، تهران: انتشارات آوای نور.
- ۷- گروه نویسندگان (۱۳۶۶). روان‌شناسی رشد، ترجمه نورالدین رحمانیان، تهران: نشر آگاه.
- ۸- گنجی، حمزه (۱۳۶۹). روان‌شناسی تفاوت‌های فردی، تهران: انتشارات بعثت.
- ۹- گواهی، زهرا (۱۳۶۹). سیمای زن در آیینة فقه شیعه، تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان

مشاوران پیوند پاسخ می دهند!

زیر نظر دکتر افروز



خانم سیف از کرج :

بازی نیز رغبت و توجه چندانی ندارد، متأسفانه به رغم میل باطنی خود تا حال چند بار او را به خاطر بی توجهی و شیطنت فوق العاده زیاد تنبیه کرده ام، اما وضعیت او اصلاً خوب نشده است. یک بار او را نزد یک پزشک اطفال بردیم و ایشان مقداری داروی تقویتی تجویز نمودند، اما باز هم در وضع او تغییری پیدا نشد. در کرج به توصیه یکی از بستگان به یک مرکز مشاوره هم رفتیم، آنجا گفتند فرزند شما دچار بیش فعالی و ناآرامی روانی است و توصیه های ایشان را نیز تا آنجایی که ممکن بود بکار بستیم، اما تاکنون آن طوری که انتظار می رود نتیجه ای نگرفته ایم و سخت نگران وضعیت او برای سال بعد هستیم که باید به مدرسه برود. در ضمن اضافه می نمایم که پسر من از نظر وضعیت بدنی و هوش بسیار مطلوب است و قدرت فهم و کلام خوبی دارد.

خواهر ارجمندم خانم سیف :

شما هم سلام صمیمانه یاران پیوند را پذیرا باشید. از اینکه به مسائل تربیتی علاقه وافری دارید و پیوند را به طور مرتب مطالعه

با تقدیم سلام و احترام خدمت مسئولان عزیز مجله خوب خانواده ها، پیوند دهنده خانه و مدرسه و تشکر از مشاور محترم پیوند و پاسخی که مرحمت می فرمایند، خدمت شما معروض می دارم که اینجانب دیپلمه و خانه دار هستم. همسر من هم دیپلمه و در وزارتخانه ... شاغل می باشند. ده سال است که ازدواج کرده ایم. یک دختر سه ساله داریم و یک پسر شش ساله و در یک آپارتمان تک واحدی زندگی می کنیم. رابطه من و همسر من نیز بسیار خوب بوده و هست و کمتر با هم اختلاف و مشاجره داشته ایم. هر دوی ما به مسائل تربیتی علاقه زیادی داریم و من خیلی مایل هستم که فرزندانی سالم و درس خوان و موفق تربیت کنم. مسأله ای که باعث شد وقت شما را بگیرم، به فرزند اول یعنی پسرمان مربوط می شود که الان نزدیک به شش سال سن دارد. او خیلی بی قرار است و اصلاً آرام ندارد، برای هیچ کاری از خود حوصله و توجه نشان نمی دهد، حتی در تماشای برنامه های تلویزیونی و هنگام

واکنش‌های هیجانی می‌شود، بیش فعالی او بیشتر نمایان می‌گردد و توجه او به کمترین حد کاهش می‌یابد.

بیش فعالی یا فزون‌کنشی بچه‌ها همواره با کمبود جدی توجه همراه بوده، دارای سه مشخصه بارز است. ۱- بی‌توجهی ۲- زود برانگیختگی ۳- بیش‌فعالی یا فزون‌کنشی.

البته این ویژگیها در همه کودکان موصوف به فزون‌کنش، به طور مشابه قابل مشاهده نخواهد بود.

چنانچه فرزند شما همه یا غالب نشانه‌های زیر را از خود نشان می‌دهد، به احتمال قوی دچار اختلال فزون‌کنشی و کمبود توجه می‌باشد.

۱- اغلب دست‌ها و پاهایش بی‌قرار است و با روی صندلی خود آرام ندارد.

۲- از آرام نشستن در یک جا و یا روی صندلی، برای مدتی و لو کوتاه ناتوان است.

۳- حوصله تحمل دیگران و با رعایت نوبت را ندارد و خیلی ناشکیباست.

۴- غالباً در حال حرکت است و آرامش روانی، عضلانی ندارد.

۵- خیلی حرف می‌زند و اغلب قبل از اینکه سؤال تمام شود به پاسخگویی می‌پردازد.

۶- محرکهای محیطی به آسانی حواس او را پرت می‌کند.

۷- در انجام دستورالعمل صادره از جانب دیگران بسیار ناتوان است و اغلب کارها را نیمه تمام رها می‌کند.

۸- در بازیها و یا انجام تکالیف نیز نمی‌تواند برای مدت طولانی تمرکز داشته باشد و از پرداختن به فعالیتهای ذهنی عموماً گریزان است.

می‌فرمایید، بسیار خوشحالیم. همچنین از اینکه برایمان نامه نوشته و وضعیت فرزندتان را تشریح نمودید، سپاسگزاریم.

اما در ارتباط با وضعیت فرزندتان توجه شما و همسر محترم‌تان را به نکات زیر جلب می‌نمایم.

بدیهی است نکات و توصیه‌هایی که مطرح می‌گردد بر اساس اطلاعاتی است که از طریق مطالعه نامه شما عایدمان شده است و اگر در فرصت مناسبی از نزدیک فرزند شما را مورد ارزیابی قرار می‌دادیم، احتمالاً لازم می‌آمد توصیه‌های جامع‌تری مطرح گردد، در هر حال امید است این پاسخ بتواند برای شما و علاقه‌مندان به این مسأله مفید و مؤثر واقع شود. به طور کلی بچه‌ها از نظر دامنه توجه و فعالیتهای حسی و حرکتی با هم تفاوت دارند.

ممکن است همه یا اکثر کودکان به نظر بزرگسالان پر تحرک، بیش فعال یا به عبارتی فزون‌کنش جلوه نمایند، بنابراین در وهله اول انتظار این است که از هرگونه قضاوت عجولانه اجتناب کنید و با فعالیتهای رفتارهای متفاوت کودکان در همه شرایط صبورانه برخورد نمایید.

ظاهر قضیه این چنین است که کودک شما به طور فوق‌العاده بی‌قراری دارد و دائماً در جست‌وجوی خیز است. اما آن دسته از کودکانی که به عنوان کودکان بیش فعال یا فزون‌کنش قلمداد می‌گردند، دارای ویژگیهای خاصی هستند که می‌بایست دقیقاً مورد توجه قرار گیرد.

بیش‌فعالی یا فزون‌کنشی یک بی‌قراری و ناآرامی حرکتی است که در ظاهر به نظر می‌رسد قابل مهار شدن نباشد. این بی‌قراری و ناآرامی حرکتی بیش از هر چیز توجه و تمرکز کودک را مختل می‌نماید. زمانی که کودک دچار

روانسی و سخت‌گیریهای مفرط والدین و تنبیه‌های بدنی و روانی کودک می‌تواند زمینه‌ساز پدید آیی فزون‌کنشی باشد.

در هر حال باید توجه داشت که این اختلال تحول در غالب موارد به موازات رشد کودک در پایان دوران بلوغ کاهش یافته، یا علائم اصلی آن کمتر مشهود می‌شود.

در درمان‌گری اختلال فزون‌کنشی و کمبود توجه می‌بایست ابتدا تلاش نمود که علت اصلی تا آنجا که ممکن است روشن گردد، مع‌هذا شایسته است با مراجعه به یک متخصص مغز و اعصاب کودکان، در صورت لزوم به طور جزئی دارو درمانی را برای مدت کوتاه آغاز نمود. داروهایی مثل ریتالین می‌تواند زیر نظر پزشک متخصص تا حد زیادی مؤثر واقع گردد، اما به موازات دارو درمانی، بلکه پیش از آن باید به شیوه رفتار درمانی و شناخت درمانی به کنترل بیش‌فعالی کودک پرداخت. به عنوان مثال لحظات یا دقایق توجه و آرام‌گیری کودکان را مورد تشویق، تأیید و حمایت قرار داد و در انتظار وسیع‌تر شدن دامنه توجه کودک ماند. از هر گونه تهدید، تنبیه و تحقیر باید اجتناب نمود که این روشها آفت رشد مطلوب و سلامت روانی کودک است و فزون‌کنشی او را افزایش می‌دهد. انواع ورزش، شنا، دویدن، طناب‌بازی و بازیهای خوشایند حرکتی، به خصوص زمانی که همبازیها پدر و مادر کودکند، در تخلیه انرژی سرشار این قبیل کودکان و آرام‌گیری آنان فوق‌العاده مؤثر است.

گسترش دامنه علائق و جذابیت‌ها برای کودک در خانه و محله بسیار مهم است. باید تلاش نمود محرکهای مزاحم محیطی به تدریج کاهش یابند و از بین بروند.

۹- اغلب از یک مشغله تمام نشده به سوی فعالیت دیگری کشانده می‌شود.

۱۰- نمی‌تواند با آرامش بازی کند و یا به تماشای برنامه تلویزیونی مورد علاقه‌اش بپردازد.

۱۱- غالباً حرف دیگران را قطع کرده، یا مداخله می‌کند.

۱۲- اغلب به نظر می‌رسد که به آنچه به او گفته می‌شود توجهی ندارد.

۱۳- وسایل خودش را اغلب گم می‌کند.

۱۴- ظاهراً فرد فراموش کاری به نظر می‌رسد و حواسش اصلاً جمع نیست.

اصولاً فزون‌کنشی ممکن است با مشکلات دیگری همراه باشد که می‌بایست مورد توجه دقیق قرار گیرد. مثل: مسمومیت‌ها، حساسیت غذایی، اختلالات حسی (ضعف بینایی، یا ضعف شنوایی)، نارسایی در رشد دستگاه عصبی، اختلالات شخصیتی و مشکلات عاطفی.

اختلال بیش‌فعالی یا فزون‌کنشی در پسر بچه‌ها شیوع بیشتری دارد. شروع این اختلال می‌تواند در حدود ۳ سالگی باشد و تشخیص دقیق در سن ورود به مدرسه مقدورتر می‌باشد.

علت اصلی فزون‌کنشی هنوز به طور قطع مشخص نیست، اما در هر حال عواملی همچون آسیب‌های جزئی وارده به مغز و نظام عصبی، (ضربات وارده به مغز کودک در دوران بارداری و مراحل اولیه رشد)، عفونت در سیستم عصبی، مسمومیت‌های شیمیایی و غذایی و یا حساسیت بیش از حد به مواد اضافی و شیمیایی در غذاها، نارسایی زیستی، شرایط محیطی، وضعیت عاطفی و روانی کودک در دوران رشد، اضطراب و فشارهای

در رفتارهای کودک و بالا بردن اعتماد به نفس کودک فوق‌العاده مهم است.

در خاتمه مجدداً تأکید می‌نماید که تنبیه و تهدید موجب افت رشد مطلوب شخصیت کودکان است و نه تنهانی‌تواند نقشی در درمان فزون‌کنشی داشته باشد، بلکه وضعیت را وخیم‌تر می‌نماید. کوتاه کردن برنامه‌های بچه‌های فزون‌کنش در لباس پوشیدن، غذا خوردن، حمام، بازی، انجام تکالیف، گوش دادن به صحبت‌ها و غیره نقش مهمی در کاهش این اختلال دارد.

شایسته این است که محور درمانگری بر حرکت‌های خوشایند و مطلوب کودک استوار باشد.

استفاده از روش شبیه‌سازی و تقلید حرکتی و راه رفتن به شیوهٔ لاک‌پستی می‌تواند بسیار خوشایند و مؤثر واقع گردد. در این روش مربی (پدر، مادر و یا معلم) با کودک قرار می‌گذارند که مثل لاک‌پشت راه بروند، تند نروند و توقف هم نکنند و هر گونه تند روی و جهیدن ممنوع باشد. تقویت مهارت‌های زبانی کودک، نقل داستان‌های خیلی کوتاه و شیرین برای او، روزها و شب‌هنگام قبل از خواب و صبوری والدین نقش مهمی در درمان کودک می‌تواند داشته باشد. تشویق کودک به برقراری ارتباط اجتماعی نیز فوق‌العاده مهم است، ارتباط با کسانی که کودک آنها را دوست دارد. تقویت احساس خودارزشمندی با تأکید بر نقاط مثبت

تبلیغات اسلامی.

۱۰- لانگران، پل (۱۳۵۲). مقدمه‌ای بر آموزش مداوم، ترجمهٔ لیلی ایمن، تهران: کمیتهٔ ملی بیکار جهانی با بی‌سوادی.

۱۱- لاول، برنادر (۱۳۷۲). حافظه و یادگیری، ترجمهٔ غلامرضا احمدی، تهران: انتشارات ققنوس.

۱۲- لیند، آجتا و آنتوان جانستون (۱۳۷۱). سوادآموزی بزرگسالان در جهان سوم، ترجمهٔ مرتضی مشتاقی، تهران: انتشارات مدرسه.

۱۳- مجموعه مقالات سمینار زن و رسانه‌ها (۱۳۷۴). تهران: دفتر امور زنان نهاد ریاست جمهوری.

۱۴- مرکز آمار ایران (۱۳۷۶). گزارش اجمالی سرشماری عمومی سال ۱۳۷۵، تهران.

۱۵- هوت، کورین (۱۳۶۱). آیا به راستی مردان از زنان برترند؟، ترجمهٔ محمود بهزاد، تهران: انتشارات رودکی.

16-DASH, MURALIDHAR (1994). EDUCATIONAL PSYCHOLOGY, INDIA: DEEP PUBLICATIONS.

17- OECD (1996). INTERNATIONAL ENCYCLOPEDIA OF ADULT EDUCATION AND TRAINING, PARIS: PERGAMON.

18- OGLESBY, K.L (1996), WOMEN AND ADULT EDUCATION, LONDON: PERGAMON.

19- STONE, LYNDIA (1994). THE EDUCATION FEMINISM READER, ROUTLEDGE.

20- STUART - HAMILTON, IAN (1994). THE PSYCHOLOGY OF AGEING, GREAT BRITAIN: KING S LYNN.

21- TURNER, BARBARA LILLIAN TROLL (1994). WOMEN, GROWING OLDER, U.S.A.

تاریخ: ۵۷